

اولتیماتوم مشترک روسیه و انگلیس به رضاخان

رضاخان در مدت سلطنت شانزده ساله خود اقدامات زیادی در جهت غربی سازی جامعه ایرانی به کار بست. روش وی نیز در این راه دیکتاتوری مطلق بود. وی در اواخر سلطنت به توسعه روابط با آلمان علاقه یافت و مقارن آغاز جنگ دوم جهانی، تعدادی از کارشناسان آلمانی در مؤسسات ایران مشغول کار شدند. متفقین از دولت ایران خواستند تا همه کارشناسان آلمانی را اخراج کند، در غیر اینصورت ایران را به اشغال نظامی تهدید کردند.

رضاخان با این که با حمایت مستقیم انگلیسی ها در اسفند 1299 دست به کودتا زده و قدرت را به دست گرفته بود با آغاز جنگ دوم جهانی و پیشرفت سریع آلمانی ها روابط سیاسی دوستانه ای با هیتلر برقرار کرد. البته ایران به طور رسمی بیطرفی خود را در جنگ اعلام کرده بود، اما انگلیسی ها به شدت از گسترش فعالیت آلمانی ها در ایران نگران بودند و تلاش رضاخان را برای نزدیکی به آلمان با سوءظن دنبال می کردند.

روز اول تیر 1320 نیروهای آلمان هیتلری به روسیه حمله کردند. با این حمله و باتوجه به اتحاد روسیه و انگلیس در برابر دشمن مشترک، ایران هم در برابر تهدید جدی قرار گرفت. روز 5 تیر دولت های روسیه و انگلستان طی دستور العمل مشترکی، از رضاشاه خواستند تا نسبت به اخراج مستشاران آلمانی از ایران اقدام کند. این تصمیم که از سوی «سر ریدز بولارد» سفیر انگلیس و «اسمیرنوف» سفیر روسیه اتخاذ شد و طی ملاقاتی با رضاشاه به وی ابلاغ گردید، در پنجمین روز حمله آلمان به روسیه رخ داد.

رضاشاه در پاسخ سفیران انگلیس و شوروی اظهار داشت که ایران کشور بیطرفی است و فعالیت آلمانی ها در ایران هم محدود به کارهای ساختمانی و امور بازرگانی است.

روز 28 تیر اخطار دیگری به ایران داده شد و بالاخره روز 25 مرداد یادداشت مشترک انگلیس و روسیه، به منزله اتمام حجت به ایران بود.

سرانجام، روز سوم شهریور 1320 سربازان ارتش سرخ از مرزهای شمال و نیروهای انگلیس از طریق بنادر جنوب به ایران حمله ور شدند و سفیران انگلیس و روسیه صبح همان روز علت این اقدام را طی یادداشت های جداگانه ای به نخست وزیر وقت ایران ابلاغ کردند.

سفیر کبیر شوروی و وزیرمختار انگلیس در منزل علی منصور نخست وزیر وقت ایران حضور یافته، طی یادداشتی حمله قوای خود را به ایران ابلاغ نمودند. علی منصور نیز متعاقباً در کاخ سعدآباد رضاشاه را در جریان قرار داد. نمایندگان روس و انگلیس، علت این مداخله را وجود تعداد زیادی کارشناس آلمانی در ایران ذکر کردند. دخالت نظامی شوروی و انگلستان در ایران به فاصله سه هفته پیش از تبعید رضاشاه به خارج از کشور رخ داد.

در همان روز شروع حمله، تلگراف مفصلی به امضای رضاشاه به عنوان روزولت رئیس جمهور امریکا مخابره شد که سرآغاز دوران جدید روابط ایران و امریکا به شمار می آید. هرچند امریکایی ها در آن شرایط نمی توانستند کاری برای جلوگیری از اشغال ایران انجام دهند، اما زمینه مداخلات بعدی آنها فراهم شد.

روزولت 11 شهریور 1320، در حالی که نیروهای روس و انگلیس در شمال و جنوب ایران مستقر شده بودند، به تلگراف رضاشاه پاسخ داد. رضاشاه زمانی پاسخ نامه را دریافت کرد که تمام شرایط انگلیس و روسیه را پذیرفته بود؛ اتباع آلمانی را از ایران اخراج کرده بود و راه آهن و جاده های شمالی و جنوبی کشور را در اختیار نیروهای اشغالگر قرار داده بود.

با این همه، مبادله پیام میان رضاشاه و روزولت عملاً وضع را مشکل تر کرد. انگلیس و روس پیش از آن که رضاشاه بتواند روابط نزدیکتری با امریکا برقرار سازد، وی را برای استعفا از مقام سلطنت تحت فشار قرار دادند. در نهایت هم او را از پادشاهی برکنار کردند و پسرش محمدرضا را جایگزین کردند.